

راهکارهای توسعه حجاب

<"xml encoding="UTF-8?">

در فرهنگ اسلام، محور اصلاحات، فرهنگ سازی است. لذا با فعالیت های آموزشی، فرهنگی و تبلیغی می توان فضای اجتماعی جامعه را به سمتی هدایت کرد که افراد به صورت طبیعی و خودجوش به رعایت عفاف و حجاب رغبت نمایند.

بدین ترتیب، اقدامات بازدارنده باید در حد ضرورت، نقش تکمیلی خود را ایفا نماید. در برخورد با پدیده بدحجابی باید مشکل فرهنگی و سیاسی آن را از هم تمایز ساخته و متناسب با خاستگاه های آن به برخوردی سنجیده و برنامه ریزی شده پرداخت. نکته اساسی این که وقتی اکثریت جامعه گرفتار یک ناهنجاری است مقابله با اکثریت نتیجه بخش نخواهد بود، مگر این که با موارد مستهجن که عموم مردم آن را زشت می شمارند، برخورد شود و در دراز مدت با بستر سازی فرهنگی، این ناهنجاری گسترده را به سطح محدودی تقلیل داد، در این صورت دایره اقدامات متوجه افرادی است که در اقلیت قرار گرفته اند.

اما راهکارهای بنیادین که در توسعه حجاب می توانند نقش جدی ایفا نمایند، بدین قرار است:

1. احیای فرهنگ اسلامی و اصلاح باورهای عمومی

پیاده کردن آموزه های دینی و عینی نمودن دستورالعمل های شریعت، وظیفه آحاد جامعه است. اما در این میان سازمان های فرهنگی حکومت دینی، وظیفه ای مضاعف به دوش می کشند و باید خط مشی کلی جامعه را بر اجتناب از رذایل اخلاقی، ترغیب جوانان به ازدواج و رواج ساده زیستی بنا نهند.

وقتی فرهنگ سازان جامعه خود گرفتار اسراف و تبذیر شوند، از اخلاق و معنویت فاصله بگیرند، نسبت به مفاسد اخلاقی و ابتذال در پوشش بی تفاوت شوند، پیامدهای ذیل نتایج طبیعی چنین گرایشی است:

الف) بی توجهی نسبت به کار آمدی دین در عرصه های مختلف اجتماعی، جوان را به سمت بی هویتی و پرداختن به ضد ارزش ها سوق می دهد. وقتی پویایی دین در عرصه حیات بشری کم رنگ شود، بدینی است دختران و پسران، ابزار وجود و اثبات شخصیت خویش را در مظاهر غیر دینی مانند خود آرایشی و مدگرایی جست و جو نمایند.

ب) عدم اهتمام به تقویت باورهای دینی و ارزش های اخلاقی سبب می شود نسل جوان نسبت به ارزش ها بیگانه گشته و نسبت به اعتقادات دینی خود احساس حقارت نماید و بن بست فکری در این باب، خودباختگی به فرهنگ غرب را در پی دارد.

احیای ارزش های اصیل اسلامی و فراخوانی زن مسلمان به تعقل و دریافتن ارزش ها و آفریدن روح تعبد و تعهد نسبت به این ها نقش مهمی در این زمینه خواهد داشت.

زن مؤمن باید به آنچه اسلام به عنوان ارزش بدان می نگرد باور داشته باشد و بداند که شخصیت و عظمت او در گرو روح بلند، اندیشه والا و جان پیراسته از آلودگی است که او را به روشی انسانی و مشی اسلامی فرا می خواند و بداند تن آرایه بسته و ظاهر فریبنده هرگز نمایانگر شخصیت او نیست.

کلام بیدارگر حضرت مسیح که فرمود:

به حق برای شما می گویم: تن چه سودی دهد در صورتی که ظاهرش درست باشد و درونش تباه. بدن های شما چه سودتان دهد که خوشتان دارد و دلهایتان تباه باشد و بهره ای نبرید آن گاه که پوست خود را آراسته و پاک نگاه دارید و دل های شما چرکین باشد.

در زن باید باور استوار، ایمان عمیق ایجاد شود. زنی که دل به حق داده و اندیشه به خدا سپرده و فرجام زندگی دنیوی اش را پذیرفته چطور حاضر می شود خودآرایی و خود نمایی کند و خود را در معرض نگاه های آلوده قرار دهد و زمینه های تلذذ دیگران و مآلاً فساد آفرینی را به وجود آورد؟!

کلام بلند حضرت علی (ع) که می فرماید:

«المرء بايمانه؛ آدمی در گرو باورهای خویش است.» نشان گر آن است که باورهای درست و ایمان های راسخ، عالی ترین نقش را در کیفیت زندگانی انسان ایفا می کنند.

2. اصلاح نگرش های فرهنگی در سیاست گزاران و برنامه ریزان

تحلیل صحیح، برنامه ریزی و سیاست گذاری درست آن گاه میسر می شود که از جزئی نگری و بریده نمودن پیکره شریعت پرهیز شود و اجزاء و عناصر مجموعه دین در ارتباط با یکدیگر لحاظ شوند. اما واقعیت این است که گاهی برنامه ریزان به جای آسیب شناسی و پرداختن به معضلات اساسی جامعه، به انجام عملیات قطعی پرداخته و به اتخاذ برنامه های موقتی رو می آورند. این شیوه، آسیب های جدی بر جامعه تحلیل می کند. آگاهی مجریان و توجه آنان به معضلات اخلاقی جامعه، اختصاص اعتبار مناسب و نیروی انسانی کارآمد و سوق دادن جامعه به سمت اصلاحات می تواند گام مؤثری در رفع مشکلات فرهنگی جامعه باشد.

البته از ضعف فرهنگی جامعه بانوان نیز نباید غفلت نمود، یکی از معضلات فکری و فرهنگی جوامع، عدم شناخت و آگاهی زنان نسبت به هویت واقعی خود و تمایزات و تفاوت های روحی و جسمی خود با مردان است و تا هنگامی که این آگاهی حاصل نشود نمی توانند ارزش خود را بشناسند.

بنابراین، طبیعی است که در جهت احکام و قوانین مربوط به خود، جدیت و اهتمام لازم را نخواهند داشت. و جامعه نیز در انجام تکالیف خود نسبت به زنان کوتاهی خواهد کرد و این همه منجر به محرومیت فرهنگی و دورماندن زنان از حقوق مسلم شان خواهد شد.

بدیهی است برنامه های آموزشی و تشویق بانوان به فراگیری و اهتمام نسبت به مسائل مربوط به خویش، تا حدودی می تواند در رفع این معضل مفید و مؤثر باشد.

3. هماهنگی کلیه نهادهای ذی ربط

در توسعه فرهنگ حجاب، بایستی میان نهادهای دولتی و غیردولتی و نیز میان فعالیت های فرهنگی، ارشادی و اجرایی هماهنگی و هم سویی وجود داشته باشد. برنامه ها و اقدامات به عمل آمده به صورت پی گیر تحت نظارت و اشراف نهادهای ذی ربط قرار گیرد.

جهت تحقق این مهم باید تمامی متولیان و دست اندرکاران از آگاهی لازم و حساسیت کافی نسبت به این موضوع برخوردار باشند تا زمینه گسترش عفاف و حجاب فراهم شود.

4. اصلاح عملکرد رسانه ها

بی تردید رسانه های تصویری در تغییر هنجارها و ارزش ها نقش مؤثری دارند به ویژه برنامه هایی که با مخاطب ارتباط بیش تری برقرار نمایند.

گاهی برنامه های تبلیغی و فرهنگی، زمینه تحقیر زنان و تضعیف موقعیت آنان را فراهم نموده است. از این رو، مناسب است با اجتناب از عرضه برنامه هایی که زنان را به سوی جلوه گری سوق می دهد هم چنین با پرهیز از نمایش زنان در فیلم ها و سریال ها و... به عنوان انسان هایی کم بهره از معرفت، احساسی و فاقد هویت، بر جایگاه و هویت واقعی آنان تأکید نموده و زمینه های تعالی آن ها را فراهم سازند.

رعایت وقار و متانت و حفظ پوشش که ضامن مصونیت اخلاقی و روانی زن به هنگام حضور در عرصه های مختلف اجتماعی است، بعضاً در میان هنرپیشگان مورد بی مهری قرار گرفته و حجاب سنتی و اصیل تحقیر شده است. ریشه چنین نگرش را باید در عدم آگاهی و یا ضعف اعتقادی برخی دست اندرکاران رسانه ای دانست. به نظر می رسد نهادهای فرهنگی باید بیش از پیش به تربیت هنرمندان و هنرپیشگان متعهد به مبانی اعتقادی بپردازند تا حفظ ارزش های دینی نه به عنوان تحمیل قانونی، بلکه به عنوان باورهای قلبی و تمایلاتی خود جوش متجلی شود.

زن به عنوان موجودی خلاق، برخوردار از ظرافت های شخصیتی و دارنده بسیاری از کمالات و استعدادها در رسانه باید خصوصیات مثبت او به عنوان یک مادر، همسر و کسی که نقش های برجسته را عهده دار است، معرفی شود و از شخصیت پردازی های ناصحیح که زن را ظلم پذیر و ضعیف و یا در نقشی تصنعی و دور از واقعیت نمایش می دهد، پرهیز کند.

زن به لحاظ ساختار تکوینی از ویژگی هایی برخوردار است؛ از شاخص ترین این خصوصیت ها، کمال جویی معنوی زن است. از آن جا که زن از احساس و تخیل بهره مند است؛ می تواند در مسیر کمالات معنوی بهتر و سریع تر گام بردارد؛ احساس و تخیلی که محور هنر و تربیت هنرمند است؛ اگر به این ساحت که جزو جوهره و ماهیت زنان است توجه کافی شود دیگر زن در عرصه هنر با نقش های منفی پرخاش گری، ساده لوحی و... ظاهر نمی شود.

نمایش روش و منش زنان پاکدلی که در عرفان عملی طی طریق کرده و به مراتبی از قرب دست یافته اند و پرداختن به زمینه ها و بسترهایی که آنان را به این جهت سوق داده می تواند برای دیگران نیز سازنده و مؤثر باشد.

این حقیقت را باید از طریق برنامه های رسانه به ویژه به جامعه زنان تفهیم کرد که هر چه آدمی به لذایذ بیرونی و عرصه برونی وجود خویشتن بپردازد، از عرصه درون و خویشتن نگری باز خواهد ماند.

لازمه تکامل و حرکت سازنده، تعمق و اندیشه درونی و انصراف از تکرار بیرونی است و این همه زمانی میسر می شود که زن، در کنار زندگی متعارف و روزمره خود بخشی از برنامه زندگی اش را به مطالعه، اختصاص دهد.

رسانه در این جهت می تواند ارائه طریق نماید، ترتیب و تنظیم برنامه های آموزشی (با تأکید بر آموزه های دینی) آن هم در اوقاتی که نوعاً خانم ها امکان بهره برداری از آن را دارند و ساعاتی که از اشتغالات بیرون و احیاناً داخل منزل فارغ شده، از بهترین زمان ارائه برنامه است.

5. اصلاح نظام الگوسازی

انسان فطرتاً الگو گزین و الگوپذیر است. پیوسته در این اندیشه است ارزش هایی را که باور دارد در چهره ای مجسم بنگرد و خود را همانند آن الگو بسازد مسأله الگو در اخلاق اسلامی و روان شناسی نیز جایگاه مهمی دارد. از این رو، قرآن کریم در شرایطی که زن هیچ گونه ارزش انسانی و اجتماعی نداشت زنانی شایسته چون آسیه همسر فرعون و حضرت مریم (س) را معرفی و از آنان تجلیل نموده است.

حضرت زهرا (س) را کوثر دانسته، به عنوان الگو و اسوه معرفی کرده و بدین ترتیب، لیاقت و شایستگی زن را در رسیدن به کمالات معنوی به اثبات رسانیده است.

و الگو بودن زنان صالح و وارسته را برای همگان اعم از زن و مرد تبیین نموده است. با توجه به این که الگوها در ساختار روحی و رفتاری انسان نقش مؤثری دارند، یکی از تأسفات های جدی عصر حاضر این است که زن مسلمان آن چنان که شایسته و بایسته است با چهره های بلند تاریخ اسلام آشنا نیست. زندگانی حضرت زهرا (س) و فرزند برومندش، پیام آور عاشورا، حضرت زینب (س) و دیگر چهره های والای تاریخ گذشته و معاصر باید برای زن مؤمن نشان داده شود تا بنگرد چه سان با حفظ هویت و شخصیت و وقار و متانت می تواند در جامعه حضور پیدا کرده و ایفای نقش نماید.

توصیه امام صادق (ع) تأمل برانگیز و قابل توجه است:

به زنان دوستی آل علی (ع) را الهام کنید.

زن اگر حب علی 7 را فرا گرفت و او را راهبر شناخت و خاندان او را الگو پذیرفت و بر راهی رفت که اهل بیت: رفته اند و آنان را سرمشق گرفت، رویین تن می شود و حضورش در جامعه دلهره آفرین نخواهد بود.

6. به کارگیری روش های صحیح برای گسترش حجاب

سلیقه ای عمل کردن و تأکید و تکیه بر آداب و عادات غیر اصیل، نقش مهمی در جهت بدبین کردن مردم نسبت به حجاب ایفا نموده است.

تصویری که از زن در جوامع اسلامی عرضه می شود و نحوه نگرش و برخورد زن، همه گویای این مطلب است که التقاط و انحرافی صورت گرفته است. به این معنا که برخی از احکام دینی با آداب و سنت ناصواب که بعضی ریشه در جاهلیت نخستین دارد، در آمیخته است و مسلمانان باید به عنوان مالکان برترین میراث دینی فهم دینی را از رسوبات فرهنگی های جاهلی و سنت های غلط بپیرایند.

مصلحان واقعی جوامع یعنی انبیا نسبت به عرف زمان خودشان دست به اصلاحات زدند و دیدگاه های ناصواب را تغییر دادند. پیامبر گرامی اسلام (ع) با عرف مقابله نمود و هویت از دست رفته زن را به جامعه باز گردانید. دستورات الهی را در همسانی زن و مرد به مردم ابلاغ نمود.

بدین ترتیب یکی از واقعیت های تلخ جوامع اسلامی، دیدگاه های افراطی و گرایش های نادرستی است که به عنوان مذهب و عرف اسلامی درباره مسائل زنان رواج داشته است، تبیین ناهنجاری ها و اثرات سوئی که بر این نگرش مترتب است، به سادگی امکان پذیر نمی باشد چرا که بسیاری از مصادیق این مسأله به عنوان ارزش تلقی می شود. البته این مهم از منظر اندیشمندان مخفی نمانده و نسبت به آن هشدار داده اند. یکی از نویسندگان از انحرافی که در جوامع اسلامی رخ نموده، داد سخن می زند:

مسلمانان در برخورد با زنان از مسیر تعالیم شریعت اسلام منحرف گذشته و روایات مدسوس و مجعول در بین

آنان گسترش یافته، از این رو زن مسلمان در ورطه جهل و غفلت از دین و دنیا سقوط کرده است. آموزش زنان گناه عظیم شمرده می شود، رفتن به مسجد ممنوع و اطلاع او نسبت به اوضاع و احوال فرهنگی - اجتماعی و سیاسی امری بعید تلقی می شود.

این درحالی است که زن دائماً گرفتار نگرش افراطی و تفریطی بوده و رفتار عادلانه را کمتر تجربه کرده است. بر این اساس توصیه به رعایت حجاب در محیط های زنانه، تأکید بر گونه خاصی از حجاب بدون توجه به شرایط آب و هوایی و منطقه جغرافیایی و بافت فرهنگی را می توان نموده های نگرش افراطی دانست.

به طور کلی، طی کردن مسیر اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط می تواند فضای رغبت و میل به رعایت حجاب را فراهم کند. اما به طور مشخص اقدامات ذیل تا حدودی مؤثر و مفید است.

1. معماری و شهرسازی متناسب با فرهنگ حجاب صورت پذیرد از جمله معماری مراکز آموزشی دخترانه به گونه ای باشد که تا حدودی آزادی عمل را برای آنان فراهم نماید تا آنان مجبور نباشند ساعات متمادی پوشش کامل را رعایت کنند.

2. برنامه ریزی در جهت توسعه فرهنگ حجاب باید چنان باشد که شرایط و مقتضیات فرهنگی، روحی و سنی افراد لحاظ شود و نیز به نوع کار و خصوصیات اقلیمی و منطقه ای - با رعایت اصل حکم حجاب - توجه شود. بدین ترتیب نباید بر رنگ خاص یا شکل خاص پافشاری نمود.

3. باید تدابیری اندیشید تا چادر و لباس هایی که به عنوان حجاب استفاده می شود با قیمت مناسب و سهل الوصول در اختیار همگان قرار گیرد.

4. توجه به حس تنوع طلبی و مدگرایی جوانان و متناسب با فرهنگ دینی و آداب محلی و منطقه ای آنان، الگوهای پوششی ارائه شود.

7. توجه به هدایت زمینه های طبیعی میل به خودنمایی

شاید بتوان گفت که خودآرایی و تزئین در زن، امری طبیعی است. در فرهنگ اسلام، تمایلات و غرایز انسانی به هیچ وجه منفی تلقی نمی شود و سعی بر آن است که با شیوه صحیح نگرش به تمایلات و ارضا مشروع آن، انسان را در جهت تکامل سرعت بخشد. در این راستا، به زن توصیه می کند گزینه خودآرایی را جهت دهد و آن را به محارم به ویژه همسر خویش اختصاص دهد.

هدایت و جهت دهی این گزینه آن قدر مهم است که اگر در موقع مناسب خود انجام نگیرد، جامعه را گرفتار کج روی و ابتذال خواهد کرد. جلوه گری زن و صرف انرژی و توان او در جهت جلب رضایت و توجه مردان یکی از نموده های این ابتذال است، که نهایتاً زبونی و حقارت قشر زن را در پی دارد چرا که محیط اشتغال را به محیطی همراه با تبرج تبدیل می کند و بخشی از نیاز مرد را در محیط اجتماعی اشباع می نماید و بازیچه مردان هوس باز می شود.

8. تقویت مرزهای زنانگی و مردانگی

تفاوت های تکوینی زن و مرد، مطلبی انکارناپذیر است و خداوند حکیم با احاطه بر این تفاوت ها برای هر یک از دو صنف، وظایف و مسئولیت هایی مقرر فرموده تا نظام هستی به نحو احسن اداره شود. از این رو در آیه 32 سوره نساء تفاوت های موجود بین زن و مرد را مطابق حق و عدالت می داند. پس آرزوی تغییر آن ها یک نوع مخالفت با مشیت پروردگار تلقی می شود:

(ولا تتمنوا ما فضل الله بفضلكم على بعض...)

بر این اساس، قرآن کریم بر تفاوت هایی که در سایه خلقت انسان به طور طبیعی در اصناف بشر قرار داده شده، صحه می گذارد. اما اختلافاتی که به دست بشر به خاطر روابط ظالمانه بشری به وجود آمده، به هیچ وجه مورد قبول اسلام نیست.

بدین ترتیب، پذیرش مرزها و تفاوت های جنسیتی میان زن و مرد که ریشه در نظام خلقت آن دو دارد، امری کاملاً منطقی و عقلانی است. اما تبعیض ها، بی عدالتی ها و بی توجهی به خواسته ها و آزادی های مشروع زنان که ناشی از برداشت های ناصحیح از اسلام می باشد و ریشه در اندیشه های خرافی و مردسالارانه دارد امر را بر بسیاری از مردم مشنبه ساخته و عموماً این نحوه نگرش و برخورد را در مبانی و معارف دینی و اعتقادی جست و جو می کنند. این همه، مسئولیت دست اندرکاران فرهنگ و هنر را سنگین تر کرده که در جهت تصحیح و پالایش افکار عمومی جامعه تلاش کنند و مرز میان تعصبات و ارزش های دینی را بازشناسی و تفکیک نمایند.

اقدامات عملی که می تواند در زدایش این نوع نگرش کارساز باشد، بسیار متنوع و متعدد است به عنوان مثال: در عرصه ورزش جهت حضور فعال و سالم بانوان باید سرمایه گذاری شود مسلماً فراهم نمودن زمینه فعالیت بانوان در این زمینه از نظر اقتصادی سرمایه گذاری مضاعفی را می طلبد.

به ویژه در جامع اسلامی که بایستی تقویت فرهنگ دینی و حفظ موازین اسلامی مدنظر مسئولین مربوطه باشد. در عرصه دانش و پژوهش هم باید اقدامات جدی صورت بگیرد. قشر پژوهشگر و فرهیخته بانوان شاهد تبعیض ها و نابرابری هایی در ارائه خدمات مراکز علمی - پژوهشی و کتابخانه ها هستند. وجود این محدودیت ها که نوعاً توجیه منطقی و یا شرعی ندارد جامعه فرهنگی زنان را به عقب نشینی از صحنه پژوهش و تحقیق سوق می دهد، در حالی که اگر دست اندرکاران و مسئولان مراکز علمی و فرهنگی نگرشی مثبت به حضور زنان در این عرصه داشته باشند، با چنین مشکلی روبرو نخواهیم بود.

چکیده

راهکارهای توسعه حجاب

در فرهنگ اسلام، محور اصلاحات فرهنگ سازی است. لذا با فعالیت های آموزشی، فرهنگی و تبلیغی می توان فضای اجتماعی جامعه را به سمتی هدایت کرد که افراد به صورت طبیعی و خودجوش به رعایت عفاف و حجاب رغبت نمایند.

راهکارهای بنیادینی که می توانند در توسعه حجاب نقش جدی ایفا نمایند بدین قرار است:

1. احیای فرهنگ اسلامی

پیاده کردن آموزه های دینی و عینی نمودن دستور العمل های شریعت، وظیفه آحاد جامعه است. اما در این میان سازمان فرهنگی حکومت دینی، وظیفه ای مضاعف به دوش می کشند و باید خط مشی کلی جامعه را بر اجتناب از رذایل اخلاقی، ترغیب جوانان به ازدواج بنا نهند.

عدم اهتمام به تقویت باورهای دینی و ارزش های اخلاقی سبب می شود نسل جوان نسبت به ارزش ها بیگانه گشته و نسبت به اعتقادات دینی خود احساس حقارت نماید و بن بست فکری در این باب خودباختگی به فرهنگ غرب را در پی دارد.

احیای ارزش های اصیل اسلامی و فراخوانی زن مسلمان به تعقل و دریافتن ارزش ها و آفریدن روح تعبد و تعهد

نسبت به این ها نقش مهمی در این زمینه خواهد داشت.

2. اصلاح نگرش های فرهنگی در سیاست گزاران و برنامه ریزان

تحلیل صحیح، برنامه ریزی و سیاست گذاری درست آن گاه میسر می شود که از جزئی نگری پرهیز شود. گاهی برنامه ریزان به جای آسیب شناسی و پرداختن به معضلات اساسی جامعه، به اتخاذ برنامه های موقتی رو می آورند.

این شیوه، آسیب های جدی بر جامعه تحمیل می کند.

آگاهی مجریان و توجه آنان به معضلات اخلاقی جامعه، اختصاص اعتبار مناسب و سوق دادن جامعه به سمت اصلاحات می تواند گام مؤثری در رفع مشکلات فرهنگی جامعه باشد.

3. اصلاح عملکرد رسانه ها

گاهی برنامه های تبلیغی و فرهنگی، زمینه تحقیر زنان و تضعیف موقعیت آنان را فراهم نموده است. از این رو مناسب است با اجتناب از عرضه برنامه هایی که زنان را به سوی جلوه گری سوق می دهد زمینه تعالی آن ها را فراهم سازند.

رعایت متانت و حفظ پوشش که ضامن مصونیت اخلاقی و روانی زن به هنگام حضور در عرصه های اجتماعی است، گاه در میان هنرپیشگان مورد بی مهری قرار گرفته و حجاب سنتی و اصیل تحقیر شده است.

نهادهای فرهنگی باید بیش از پیش به تربیت هنرمندان و هنرپیشگان متعهد به مبانی اعتقادی بپردازند تا حفظ ارزش های دینی نه به عنوان تحمیل قانونی، بلکه به عنوان باورهای قلبی و تمایلاتی خودجوش متجلی شود.

4. اصلاح نظام الگوسازی

انسان پیوسته در این اندیشه است ارزش هایی را که باور دارد در چهره ای مجسم بنگرد. مسأله الگو در اخلاق اسلامی و روان شناسی نیز جایگاه مهمی دارد. از این رو، قرآن کریم زنانی شایسته چون آسیه همسر فرعون و حضرت مریم (س) را معرفی و از آنان تجلیل نموده است.

یکی از تأسف های جدی عصر حاضر این است که زن مسلمان به طور بایسته با چهره های بلند تاریخ اسلام آشنا نیست.

5. به کارگیری روش های صحیح برای گسترش حجاب

طی کردن مسیر اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط می تواند فضای رغبت و میل به رعایت حجاب را فراهم نماید. اگر شهرسازی و معماری به ویژه در مراکز آموزشی دخترانه به گونه ای باشد که تا حدودی آزادی عمل را برای آنان فراهم نماید و نیز شرایط و مقتضیات فرهنگی، روحی و سنی افراد لحاظ شود و نیز به نوع کار و خصوصیات اقلیمی و منطقه ای توجه شود.

و در نهایت به حس تنوع طلبی و مدگرایی جوانان توجه شود و متناسب با فرهنگ دینی و آداب محلی و منطقه ای آنان، الگوهای پوششی ارائه شود.